

عصر ظهور و نقش آن در تحولات بنیادین خانواده

رحیم کارگر^۱ - محمدعلی اخویان^۲

چکیده

«خانواده»، کانون تغییرات و تحولات گسترده است و این مسئله مورد توجه پژوهشگران، جامعه شناسان و کارشناسان دینی می‌باشد. تغییرات خانواده، هم تزلزل و فروپاشی را شامل می‌شود و هم ابعاد و عناصر مختلف آن را (ارزش‌ها، ساختار، کارکردها و ارتباطات). این تحولات، در روایات اسلامی نیز مورد اشاره و هشدار قرار گرفته و در دو بخش مسائل آخرالزمانی و مسائل عصر ظهور مطرح شده است. تغییرات خانواده در آخرالزمان، بیش‌تر فروپاشی خانواده‌ها، ارزش زدایی، تضعیف کارکردهای مثبت، قطع ارتباطات سالم و افزایش روابط نامشروع و جابه‌جایی نقش‌های خانوادگی را شامل می‌شود. روایات مربوط به عصر ظهور نیز به این نکته ناظر است که ظهور امام زمان علیه السلام در این برهه حساس روی می‌دهد و حضرت مهدی علیه السلام، خانواده و اجتماع را در مسیر درست خود قرار می‌دهد. در واقع عصر ظهور، به تحولات اساسی در وضعیت خانواده منجر شده و تغییرات منفی و نامطلوب را دگرگون می‌کند. این امر به ترسیم وضعیت آرمانی خانواده در پرتو تحولات عصر ظهور کمک می‌کند. روش تحقیق در این مقاله اسنادی و کتابخانه‌ای است بر اساس منابع مختلف روایی و تحلیل‌های جامعه شناختی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: خانواده، مهدویت، عصر ظهور، کارکردهای خانواده، ارتباطات در خانواده، ارزش‌ها در خانواده.

مقدمه

بر اساس روایات شیعه، جامعه مهدوی در عصر ظهور از تصویری جامع برخوردار است. این تصویر واقع بینانه و تحقق یافتنی، سیر تاریخ بشر را نمایان می‌سازد و از نقش مهم پیامبران و امامان معصوم، در این حرکت پرده بر می‌دارد؛ زیرا هدایت، راهنمایی و حیات مادی و معنوی بشر، با ایشان شروع شده و مرحله متکامل و متعالی زندگی نیز با آنان خواهد بود. دولت فراگیر آنان، در نهایت در همین دنیا شکل خواهد گرفت و حرکت تاریخ نیز به سمتی می‌رود که با حضور مستقیم و بدون واسطه آنان در رأس اداره امور جهان (به دست پر کفایت قائم آل محمد علیهم‌السلام)، مردم از برکات و عنایات وجودی آنان برخوردار گشته و از نقص به کمال، از ظلم و ستم به عدل و داد، از فساد و بی دینی به یکتاپرستی و نیک اخلاقی رهنمون خواهند شد (کارگر، ۱۳۸۳: ص ۱۵۳). مسلمانان آگاه - به ویژه شیعیان - در انتظار روز موعود اسلام و مدینه فاضله آن، روز شماری می‌کنند و عاقبت کار را از آن مردم نیک کردار می‌دانند. ایشان معتقدند از قوانین موضوعه و سازمان‌های پر زرق و برق بین المللی، کاری ساخته نیست. حاکمیت در آن زمان، از آن امام معصوم است که آن امام از خطا، اشتباه و غرض ورزی منزه و پاک است. این همان روزی است که قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بشر را به انتظار چنان روزی مأمور نموده و دستور ایجاد زمینه و آمادگی از هر جهت را به انسان‌ها داده‌اند. این عقیده نشأت گرفته از آیات قرآن و روایات متواتر قطعی از طریق اهل بیت علیهم‌السلام است (طاهری، ۱۳۸۰: ص ۱۴۵-۱۴۶). این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت را در برهه حساسی از زمان به دست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد و بدین طریق، عدالت، رفاه، علم، بهداشت، آسایش، قسط و داد، آبادانی، یکتاپرستی و نیکی را در گستره «زمین»، ارزانی خواهد بخشید. بر این اساس، آرمان‌ها و آرزوهای بشر در طول تاریخ، تنها و تنها در حکومت جهانی «مصلح کل» تحقق خواهد یافت. صلح، رفاه، آرامش، امنیت، گسترش علم، خردورزی، ریشه کنی ظلم و ستم، رفع فساد و تباهی از جهان، گسترش مکارم و فضایل اخلاقی، آیین واحد جهانی، فرهنگ سالم، برابری و مساوات، بی‌نیازی و غنا، اوج تکنولوژی و فن آوری و ارتباطات سریع و گسترده جهانی؛ تنها در یک «حکومت» امکان وقوع و تحقق دارد و آن حکومت جهانی مهدی علیه‌السلام است (کارگر، ۱۳۸۱: شماره ۶). این دوران و تحولات بزرگی که در آن صورت می‌گیرد، بر ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها -

بخصوص خانواده‌ها - و استحکام و پویایی و ثبات و تعالی آن‌ها تاثیرات زیادی دارد. به همین دلیل، ضروری است نقش این تحولات بنیادین از دیدگاه روایات، مورد بررسی و تحلیل درست قرار گیرد.

خانواده یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه اسلامی و نظام اجتماعی است که در چند دهه اخیر دستخوش تحولات و دگرگونی‌های مختلفی در ارزش‌ها، کارکردها، ساختار و ارتباطات شده است. نشانه‌های این دگرگونی‌ها از انتخاب همسر و تشکیل زندگی تا تداوم زندگی و نوع فرزند آوری خانواده دیده می‌شود و در نهایت به مشکلاتی چون طلاق و جدایی منجر می‌شود. درک این دگرگونی‌ها و پیش‌بینی آثار و عواقب آن، از ابعاد مختلف حائز اهمیت است. تغییرات ناشی از پدیده‌های تأثیرگذار در فضای خانواده‌ها و رویدادهای بیرون، آسیب‌های جدیدی به همراه دارند که این آسیب‌ها می‌تواند وضعیت خانواده را با بحران مواجه سازد. در واقع این تغییرات که به دلیل دگرگونی ارتباطات شغلی، اجتماعی، اقتصادی، پیشرفت‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری صورت پذیرفته، بر جنبه‌های ساختاری و ارزشی و کارکردی خانواده تأثیر گذاشته و موجب شده که مسئله خانواده، جزو ده مسئله کشور قرار گیرد. حال، آیا جایگاه متزلزل و بی‌ثبات خانواده همچنان ادامه خواهد داشت یا در جایی متوقف شده و روند تغییرات، مثبت و رو به بالا خواهد بود؟

مسئله «خانواده» در منابع دینی، از چند جنبه مورد توجه جدی و هشدار قرار گرفته است:

۱. تاکید بر ارزش و اهمیت زیاد خانواده و تلاش در جهت حفظ قداست و استحکام آن؛
۲. آینده‌نگری و پیشگویی وضعیت خانواده در آخرالزمان و ارائه هشدارهای جدی در این زمینه؛

۳. ارائه وضعیت آرمانی خانواده در پرتو جامعه مهدوی و لزوم توجه جامعه به این آرمان والا، به عنوان چشم انداز جامعه دینی.

در این مقاله در صدد پاسخ به این مسئله هستیم که نقش عصر ظهور و حکومت جهانی مهدوی و شکل‌گیری جامعه موعود دینی، بر تحولات بنیادین خانواده چه تاثیراتی دارد و خانواده در آن جامعه دارای چه جایگاهی است؟

باید توجه کرد که روایت خاصی به طور مستقیم در مورد خانواده یا ساختار و کارکردهای آن در روایات مربوط به عصر ظهور نیامده است؛ اما با دسته‌بندی روایات می‌توان به سه

رویکرد روایی در این زمینه دست یافت:

یکم. احادیث آخرالزمان که هشدارهای جدی درباره خانواده و عناصر و اجزای مختلف آن دارد؛

دوم. روایات مهدویت درباره کلیات تغییر و تحول فرهنگی در عصر ظهور که به صورت غیر مستقیم، بخشی از مسائل خانواده را در بر می‌گیرد.

سوم. احادیثی که به طور مستقیم به زن و خانواده، مربوط است و بخش‌های مختلفی از مسائل خانواده چون کارکرد تربیتی، امنیت و آرامش در خانواده، روابط خانوادگی و مسائل ارزشی آن را در بر می‌گیرد.

خانواده در عصر ظهور

پیش از بیان جایگاه خانواده در عصر ظهور، مناسب است تعریفی روشن از آن ارائه شود. در معنای اصطلاحی «خانواده» اختلاف نظر وجود دارد و اندیشمندان علوم اجتماعی، تعریف‌های متنوعی برای آن ذکر کرده‌اند. هر کدام از این تعاریف به بُعدی از خانواده توجه نموده است. در ادامه به بعضی از این تعاریف اشاره می‌شود:

خانواده، از گروهی از آدم‌ها تشکیل می‌شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۵: ص ۱۲۷). خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنها، آن را تکمیل می‌کنند (قائمی، ۱۳۷۳: ص ۱۸). خانواده، سازمان اجتماعی محدود و نهاد سازنده‌ای است که از طریق ازدواج که یک قرارداد اجتماعی است، تشکیل می‌شود (فرجاد، ۱۳۸۴: ص ۱۱۰).

بر اساس یک تعریف:

خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۵).

شورای عالی انقلاب فرهنگی خانواده را چنین تعریف کرده است:

خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴).

تعریف مذکور مورد نظر این مقاله خواهد بود.

خانواده در عصر ظهور، بخش مهمی از تحولات فرهنگی و تغییرات بنیادینی است که به دست امام زمان علیه السلام و طی برنامه‌ای نظام مند و با همراهی مردم و یاران صالح صورت می‌گیرد و وضعیت مطلوب و بسامانی پیدا می‌کند. در واقع هر نوع دگرگونی و اصلاح در وضعیت خانواده، در چهارچوب اقدامات اساسی و فراگیر قرار دارد و شامل همه ابعاد و سطوح زندگی بشری - بخصوص خانواده - می‌شود. بر این اساس، حضرت مهدی علیه السلام با دگرگون کردن وضع نابسامان گذشته و قرار دادن جامعه و خانواده در حد مطلوب و آرمانی و رفع موانع رشد و تعالی، تحولات شگرفی ایجاد خواهد کرد. توجه به جامعه مطلوب و آرمانی در نهاد بشر هست و برنامه‌های امام در جهت این تمایل فطری و رسیدن به آن حد اعلا است و بر همین اساس، انسان همواره در ذهن خود دنیایی را ترسیم می‌کند که در منتهی درجه کمال و مطلوبیت قرار داشته باشد؛ اما از آن جا که هر حرکت انسان در جهت تحقق آن مدینه فاصله زمینی، به بن بست رسیده است؛ لذا به جای ترسیم آرمان شهر زمینی، آن را در آسمان مجسم نموده است. این تصوّر گاه به حدّی از واقعیات فاصله داشته که برخی آن را «ناکجا آباد»، خیالی و دور از واقعیت پنداشته‌اند (اصیل، ۱۳۸۱: ص ۱۷). اما آرمان شهری که شیعه در فرهنگ مهدوی ترسیم می‌نماید، زمینی و واقعی است و در آن فرجام تاریخ بشری، فرجامی خجسته و سعادت بخش است (مطهری، ۱۳۷۸: ص ۵۲).

عصر شکوفایی خانواده

یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته این عصر، «شکوفایی انسان و خانواده» است؛ امام مهدی علیه السلام زوایای نامکشوف و ناپیدای انسان را آشکار می‌کند و گره‌های کور زندگی مبهم و جاهلانه را می‌گشاید. او حقایق و واقعیات حیات بشری را تبیین کرده و زمینه‌ها و بسترهای رشد و استحکام و تعالی خانواده را مهیا می‌سازد. ابی سعید خراسانی می‌گوید:



به امام صادق علیه السلام عرض کردم: برای چه ایشان «مهدی» نامیده شده است؟ فرمود: برای این که به هر چیزی که مخفی باشد، هدایت می‌شود... قطعاً او به امری عظیم قیام می‌نماید: لَأَنَّهُ يَهْدِي أَلِيَّ كُلَّ أَمْرٍ خَفِيٍّ... أَنَّهُ يَقُومُ بِأَمْرِ عَظِيمٍ (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۱، ص ۳۰).

عصر ظهور، دوران حیات طیبه و زندگی معقول انسانی در یک خانواده مطلوب و آرمانی است؛ عصر حاکمیت عقلانیت و معنویت بر افراد و جوامع و دوره به‌زیستی و کمال‌گرایی است که کمتر نظیری می‌توان برای آن تصور کرد. به نوشته یکی از حکما:
زمان ظهور دولت آن جناب - که زمان ظاهر شدن دولت ثانیة حق است - زمان ظهور و غلبه عقل است از روی باطنی آن که مقام ولایت است و به منزله روح است از برای روح ظاهری آن که مقام نبوت است (کشفی، ۱۳۸۱: ص ۲۸۵).

علامه طباطبایی می‌گوید:

به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری، پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا، همزیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند. البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان بشری و به لسان روایات مهدی خواهد بود... (طباطبایی، ۱۳۷۹: ص ۳۰۸).

شهید مطهری نیز می‌نویسد:

... انسان تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود؛ یعنی، مرحله انسان ایده آل و جامعه ایده آل نزدیک‌تر می‌شود؛ تا آن جا که در نهایت امر، حکومت عدالت؛ یعنی حکومت کامل ارزش‌های انسانی - که در تعبیرات اسلامی از آن به حکومت مهدی تعبیر شده است - مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خود خواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود (مطهری، ۱۳۷۸: ص ۴۱).

از منظر روایات

در روایات به این مسئله اشارات روشنی شده است؛ از جمله:
أَنْ يَصْلَحَ أُمَّةٌ بَعْدَ فَسَادِهَا؛ او این امت را پس از آن که تباه و فاسد شده‌اند، اصلاح

می کند (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۳)؛ و ... یُحیی اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِكُفْرِ أَهْلِهَا؛ خداوند زمین را به دست قائم زنده و احیا می گرداند؛ بعد از آن که زمین با کفر ساکنانش مرده باشد (بحرانی، ۱۴۲۷: ص ۱۱۲).

چنان که گذشت، در برخی از روایات، از زوال جایگاه خانواده و نیز بروز نا امنی ها، بی عدالتی ها، هرج و مرج ها و فساد گسترده و مشکلات عدیده برای خانواده ها یاد شده و زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام درست همین زمان دانسته شده است؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می فرماید:

مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرَجًا وَ تَطَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا فَيُبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَّنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُمَّلًا يَقُومُ فِي الدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا؛ مهدی این امت از ماست. هنگامی که دنیا را هرج و مرج فرا گرفته و فتنه ها آشکار شود و راه ها مورد راهزنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد؛ در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است، برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخر الزمان برای دین قیام می کند؛ همان طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، پر و سرشار می سازد (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۲۶۷).

در حدیثی مشابه آمده است که خداوند در این موقعیت فاجعه بار و خطیر، به حضرت مهدی علیه السلام اذن ظهور می دهد تا اوضاع آشفته و نابسامان دنیا را اصلاح کند:

... ذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرَجًا وَ يَغَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ لَا الْقَوِيُّ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ (همان، ص ۳۸۰).

۱. ارزش ها و اطلاعات در خانواده

جامعه عصر ظهور و خانواده، شاهد یک تحول بزرگ فرهنگی در ارزش مداری و پاکی رفتارها و اصلاح خلق و خو در آینده ای نورانی خواهد بود. در صورتی که آرمان ها و

ارزش‌های خانوادگی، در مسیر درست قرار گیرد و هدفی متعالی و واقعی، برای خانواده ترسیم گردد و همه آحاد آن، در همسو با این هدف اصیل و کامل حرکت کنند، امکان اصلاح و رشد آن جامعه بالا خواهد بود. عصر ظهور، عصر حاکمیت ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و تحقق آرمان‌های متعالی و انسانی است و در آن دوران، همه عرصه‌های زندگی و خانوادگی طیب و طاهر و ریشه‌های پستی و ناراستی زدوده می‌شود. در روایتی آمده است:

أَنَّهُ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ (يَلْعَقُ الْمَسَاكِينَ الزَّيْد) تَطْيِيبِ الدُّنْيَا وَ أَهْلِهَا فِي أَيَّامِ دَوْلَتِهِ؛ مهدی، زمین را آکنده از عدالت می‌کند... مزه کره را به مستمندان می‌چشاند و در زمان حکومت او دنیا و اهالی آن، پاک می‌شوند (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۹۳).

انسان در خانواده و محیطی زندگی می‌کند که هم بعد مادی دارد و هم جنبه فرامادی و ملکوتی. آنچه او با دیده ظاهر بین مشاهده می‌کند، زندگی فرو بسته دنیایی است؛ با آرایش‌ها و آرایش‌های متعدد و آنچه او را از حقیقت وجودی‌اش و آن فضای معنوی و ملکوتی دور می‌سازد، توجه وافر به مادیات، نفسانیات و وهمیات است. در واقع جامعه آلوده، جامعه‌ای است آکنده از امواج منفی و ویرانگر، افکار و اندیشه‌های آلوده و کشنده، رویکردهای شهوانی و حیوانی در واقع انسان - به خصوص در عصر حاضر - در فضای ظلمانی و زهرآگین زندگی می‌کند که بر روح و روان و فکر او اثر منفی و مخربی می‌گذارد (کارگر، ۱۳۸۷: ص ۸۵). برای رهایی خانواده از این سموم روحی و مغناطیس‌های ضد فرهنگی، باید فضا را پاک کرد و آن را در یک محیط امن فرهنگی و جامعه نورانی قرار داد. روایات، تصویر بسیار زیبایی از این طهارت و پاکی محیط و نورانیت زندگی و خانواده در عصر ظهور ارائه می‌کنند: «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا...»؛ زمین را از عدل و داد و نور و برهان آکنده می‌سازد (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۲۹۱) و: «إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورٍ رَبُّهَا...»؛ وقتی که قیام می‌کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و بندگان به نور خورشید نیازی نخواهند داشت (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۴۸) : «... يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ؛ خداوند به وسیله مهدی زمین را طاهر و پاک می‌گرداند (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۳۷۲).

۲. زوال ناپاکی‌ها

روشن است که حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، حکومت پاکان است و در آن ناپاکان از جمله، زناکاران جایی ندارند. احادیث و اخبار غیبی نشان می‌دهد که روابط نامشروع و

ناسالم از خانواده‌ها برداشته می‌شود؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضَى فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ
فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ عَلَيْهِمَا بَيِّنَةً
الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ؛ دو خون از طرف خدای تبارک و
تعالی حلال شده، که [در مورد آن] پیش از قیام قائم اهل بیت علیهم السلام، به حکم خدا
رفتار نمی‌شود. هنگامی که او را خداوند برانگیخت، حکم خدا را در آن اجرا می‌کند و
آن را با علم امامت، بدون این که شاهد مطالبه کند، انجام می‌دهد؛ زانی مُحْصِن را
سنگسار می‌کند و گردن مانع زکات را می‌زند (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۵۰۳ و
صدوق، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۶۷۱).

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری در مورد بین رفتن روابط نامشروع در دولت حق خبر
می‌دهد:

... وَ يَذْهَبُ الزَّانَا وَ شَرِبُ الْخَمْرِ وَ يَذْهَبُ الرِّبَا وَ يَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ وَ تَوَدَّى
الْأَمَانَاتِ وَ تَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَ تَبْقَى الْأَخْيَارُ؛ روابط نامشروع، مشروبات الکلی و
رباخواری از بین می‌رود، مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند، امانت‌ها را به
خوبی رعایت می‌کنند، اشرار مردم نابود می‌شوند، افراد صالح باقی می‌مانند (صافی
گلیپایگانی، ۱۴۱۹: ص ۴۷۴).

امام رضا علیه السلام در این باره فرموده است:

لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام لَحَكَمَ بِنِثَالِثٍ لَمْ يُحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ : يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ وَ
يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ وَ يُورِثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأِظْلَةِ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، به سه
چیز داوری کند که احدی پیش از او داوری نکرده است: پیرمرد زناکار و مانع الزکات
را می‌کشد؛ برادر را از برادر اظله ارث می‌دهد (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۶۹ و ج ۲،
ص ۳۰۹).

بی‌تردید افکار و آرای گوناگون و هواهای نفسانی، عامل برخی از انحرافات، اختلافات،
ارزش ستیزی‌ها، دنیاگرایی‌ها، تشویش‌ها و کشمکش‌ها است. از منظر دینی، بسیاری از این
آرا و باورها، برخاسته از هواهای نفسانی و فکر ناقص اعضای خانواده هستند. اگر بتوان این
آرا و خواسته‌ها را در پرتو قرآن اصلاح کرد، می‌توان به حل مشکلات خانوادگی امیدوار شد.
حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:



يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ...؛ او خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد (نهج البلاغه، خ ۱۳۸).

برای این که این اندیشه واحد و جامع شکل بگیرد، حضرت مهدی، حقایق قرآنی و آموزه‌های اصیل آن را تعلیم می‌دهد و موجب دانایی پرهیزکارانه انسان‌ها می‌شود؛ چون قرآن کریم هم بر نور دل‌ها می‌افزاید و هم بر دانش و حکمت آنان:

... يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ؛ قرآن همان گونه که خداوند نازل کرده و به مردم یاد داده می‌شود (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۸۶).

در کنار مسائل ارزشی خانواده، یکی از موضوعاتی که درباره خانواده در عصر ظهور مطرح شده، «بالا رفتن سطح علم و اطلاعات مردم» نسبت به خانواده خود است:

... إِنَّ اللَّهَ لَيَهَبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ فِيهَا حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْمَلُونَ (راوندی: ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۸۵۰ و مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۳، ص ۶۳).

در حدیث دیگری نیز به دقت و مواظبت مردم از رفتارها و گفتارهای خانوادگی اشاره شده است:

...حَتَّىٰ إِنْ أَحَدَهُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ؛ ... هر کس در خانه خود حرفی بزند، می‌ترسد که دیوار علیه او شهادت بدهد (عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۲۱۴ و مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۹۰).

۲. کارکردهای خانواده در عرصه‌های مختلف

الف) در بعد عاطفی و روانی

آموزه‌های اسلام در نگرش به خانواده و کارکردهای آن، به گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که ضمن از بین بردن زمینه‌های تنش و تضاد و ایجاد پیش‌نیازهای استحکام؛ خانواده را در ایفای نقش سعادت‌بخشی به افراد، یاری دهد. در نگاه اسلام، رفتارهای جنسی، تدبیری

الاهی برای پیوند بشر و استمرار نسل است؛ اما باید در چارچوب خانواده و هنجارهای دینی بدان پاسخ داده شود. در رویکرد اسلام، مراقبت و حمایت، از نقش‌های مهم خانواده به شمار رفته و خانواده وظیفه دارد نسبت به اعضای خود حمایت‌های اقتصادی، عاطفی، دینی و فرهنگی به عمل آورد. در نگرش اسلام، اعضا وظیفه دارند با رعایت اخلاق و حقوق، زمینه آرامش روانی یکدیگر را فراهم کنند. اسلام در رویکرد خود به خانواده، تلاش نموده است تا با تعیین جایگاه افراد و توزیع نقش‌ها در خانواده، راه رسیدن زنان و مردان به خوشبختی این‌جهانی و آن‌جهانی را هموارتر کند (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ص ۳۶-۳۸). بر اساس آموزه‌های دینی، والدین نه تنها مسئول برآوردن نیازهای معیشتی و روانی فرزندان و مراقبت از آنان در این زمینه‌ها هستند، بلکه در ساحت اندیشه‌های بنیادین و نگاه فرزندان‌شان به هستی و آغاز و انجام زندگی، نیز مسئولیت داشته و وظیفه مراقبت و حمایت در این ساحت را بر عهده دارند. در قرآن به مسلمانان سفارش شده است که خود و خانواده خود را از آتش جهنم نگاه دارند:

﴿... قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم: ۶). وقتی آیه مزبور نازل شد، عده‌ای از پیامبر اکرم ﷺ سؤال کردند: چگونه خانواده خود را از آتش نگاه داریم؟ حضرت فرمود: آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی؛ اگر از تو پذیرفتند، آن‌ها را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند، وظیفه‌ات را انجام داده‌ای (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۹۷، ص ۷۴).

ب) مولفه‌های رواج حکمت و تربیت

بر اساس روایات مهدویت، در عصر ظهور، زیربنای استواری و استحکام خانواده‌ها، توجه به کارکردهای مهم خانواده، چون حکمت‌آموزی و ترویج رفتارهای حکیمانه در آن است:

كَانِي بَدِينِكُمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُؤَلِّيَا يَفْحَصُ بَدْمِهِ، ثُمَّ لَا يَرُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنَّا
 أَهْلَ الْبَيْتِ، فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ، وَيَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ، وَتَوْتُونَ
 الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَسُنَّةِ رَسُولِهِ؛
 گویی با چشم خود می‌بینم که این آیین مقدس، هر روز کنار گذاشته می‌شود و به دنبال خونخواهی می‌گردد. آن‌گاه کسی آن‌را باز نمی‌گرداند، به جز مردی از خاندان ما. او هر سال دو بار به شما بخشش می‌کند و هر ماه دو بار به شما ماهیانه



می‌دهد، در زمان او آن قدر به شما دانش و فرهنگ داده می‌شود که زن خانه‌دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ حکم می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۲۵ و مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۵۲ و ۳۹۰).

بر این اساس، خانواده‌ها در عصر ظهور، جایگاه تربیتی و علمی خود را جهت حل مشکلات خود باز می‌یابند و در روایات آمده است:

تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ؛ ... در زمان ظهور، حکمت عطا می‌شود (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۹، ج ۳۰) و: ... يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جُورِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا؛ خدای عزوجل به وسیله او، زمین را پس از تاریکی آن از نور آکنده می‌سازد و پس از ستم آن، از داد پر می‌نماید و آن را پس از جهل و نادانی، از دانش مالمال می‌کند (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۵).

«حکمت»، معرفت لازم برای شناخت و دریافت اصول و قواعد کمال در عرصه دنیا و سرای ابدیت و به کار بستن آن‌ها در مسیر حیات معقول است. آیات قرآنی، زندگی با حکمت را (که هدف از بعثت پیامبران تبلیغ آن بوده است)، از آن خدا و حیات طیبه تعبیر نموده است؛ بلکه آن را حیات حقیقی نامیده که برای دوام و استحکام خانواده‌ها توجه به آن ضروری است:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً﴾؛ هر کس، از مرد یا زن، کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک، زنده خواهیم داشت (نحل: ۹۷).

نیروی علم، خیر و صلاحش در این است که به آسانی میان گفتار دروغ و راست، عقاید حق و باطل و کارهای زشت و زیبا فرق بگذارد و چون این نیرو به دست آمد، ثمره حکمت از آن حاصل می‌شود که آن، خود، سرچشمه اخلاق نیکو است و همان است که خدا درباره‌اش فرموده است:

﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ، فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛ به هر کسی حکمت داده شده، خیر فراوانی به او اعطا گشته است (بقره: ۲۶۹).

حسن نیروی خشم نیز در این است که انقباض و انبساطش به اندازه‌ای محدود شود که حکمت اقتضا دارد. همچنین خیر و صلاح شهوت، در این است که به فرمان حکمت (عقل و دین) باشد (فیض کاشانی، ۱۳۸۲: ج ۵، ص ۱۳۶).

ج) تعدیل خواسته‌ها

یکی از کارکردهای مهم تربیتی خانواده در عصر ظهور، کمک به تعدیل خواسته‌ها و علایق مادی و تجملاتی در پرتو تربیت مهدوی است. در واقع، یکی از مسائل بسیار مهم در تغییر و تحولات خانواده‌ها و فروکاستن از آمال مادی صرف و خواسته‌های فزاینده دنیوی و تجملاتی، «استغنا‌ی روحی انسان‌ها» است. بالارفتن ظرفیت‌های فکری و درونی خانواده‌ها، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته‌ها و تمایلات متنوع و فزاینده مادی و غریزی و در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی نشانه‌های غنای روحی و معنوی‌اند که مورد توجه جدی خانواده‌ها خواهند بود. این‌ها با مدیریت و هدایت دقیق و درست، عامل حل بسیاری از کاستی‌ها و ناهنجاری‌ها خواهند بود؛ امری که در عصر ظهور به صورت کامل و تمام محقق خواهد شد.

در روایتی درباره بی‌نیازی قلبی مردم در عصر ظهور آمده است: وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ خداوند بی‌نیازی را در دل‌های این امت قرار می‌دهد (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۴). نیز: إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ الْقَى اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ هنگامی که مهدی عج قیام می‌کند، خداوند در دل‌های بندگان بی‌نیازی می‌افکند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ج ۲۹، ص ۳۳۴). و: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَعْنَى النَّاسُ؛ چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و مردم همگی بی‌نیاز می‌شوند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶۸).

در کارکرد اقتصادی خانواده نیز، رفع نیازهای مادی و تعدیل خواسته‌ها در اولویت اصلی قرار دارد. در عصر ظهور اصول صحیح اقتصادی به طور کامل کاربردی شده و با رفع نیازهای مادی انسان‌ها و در عین حال تربیت صحیح آنان، مشکلات ناشی از دنیاگرایی رفع شده و اقتصاد خانواده در مسیر درست خود قرار می‌گیرد. بر اساس روایتی:

ثروت‌های روی زمین و منابع زیر زمین، نزد آن حضرت گرد می‌آید. آن‌گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند: بیایید بگیرید، بگیرید آنچه را برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و به خون ریزی و گناهان دست می‌زدید: قُلْ تَعَالُوا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمِ الْحَرَامَ... او چنان اموال را می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است (جزایری، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۱۹۵). نیز: «يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تُرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ؛ «او اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می‌کند



که دیگر نمی‌یابی تا به او زکات دهد (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۹۰).

مهم‌تر از همه، کمک به خانواده‌ها در جهت برطرف کردن نگرانی‌ها و سختی‌های معیشتی و زندگی مادی است تا در پرتو آن، بهتر بتوانند به امور عبادی و دینی خود بپردازند:

كُفَيْتُمْ مَوَدَّةَ الطَّلَبِ وَ التَّعَسُّفِ وَ نَبَذْتُمْ الثَّقَلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ؛ اگر از مهدی پیروی کنید، از رنج طلب و سختی [برای دستیابی به وسایل زندگی] آسوده می‌شوید و او بار سنگین (زندگی) را از شانه‌هایتان بر زمین می‌نهد (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۲۶۶).

۳. ساختار خانواده و نقش‌ها در آن

به طور خاص در آموزه‌های دینی و روایات مهدوی، در زمینه ساختار خانواده (خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای، خانواده پدرسالار و خانواده مادرسالار و خانواده کامل و خانواده ناقص (= تک همسر) به نوعی خاص اشاره نشده است؛ اما در خصوص نظام مطلوب خانواده در اسلام با مجموعه‌ای از اهداف ثانوی روبه‌رو می‌شویم که در جهت نیل انسان‌ها به بندگی خداوند مقرر گردیده است که مهم‌ترین آن‌ها از این قرارند: آرامش درونی همسران از راه تامین نیازهای جنسی، عاطفی و اقتصادی، تولید مثل، مراقبت و تربیت صحیح فرزندان، مشروعیت و جلوگیری از انحرافات اجتماعی. در ضمن، تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد از مفروضات اساسی نظام خانواده در اسلام است که اهمیت و چگونگی تاثیرگذاری آن بارها در مباحث پیشین گوشزد شد.

نظام اسلامی خانواده، همچنین بر برخی مبانی ارزشی مبتنی است که تمایزهای جنسیتی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. اسلام بر پایه تفاوت‌های جنسی طبیعی و با در نظر گرفتن اهداف اصلی و فرعی خانواده، بین زن و مرد در ناحیه نقش‌ها و وظایف تمایزهایی را قائل شده است که این تمایزها در موارد متعددی، همچون تقسیم کار خانگی و اجتماعی، سرپرستی شوهر، نقش خاص پدر و جد پدری در ازدواج دختر و همچنین در حضانت پس از طلاق به چشم می‌خورند. نگرش اصالت جمعی، جنبه دیگری از مبانی ارزشی پذیرفته شده در دیدگاه اسلام را نشان می‌دهد که نفی الگوهای فردگرایانه، مانند زندگی در مجرد یا خانواده بدون فرزند، از آثار پذیرش این مبناست (بستان، ۱۳۹۴: ص ۲۳۷-۲۴۰).

نکته اصلی در مورد خانواده در عصر ظهور، اشارات مختلف روایات به خانواده و محل زندگی خود امام زمان است. به نظر می‌رسد یکی از مسائل مهم آن دوران توجه به اصالت خانواده و اولویت دادن به آن است.

روزی نزد امام صادق علیه السلام سخن از مسجد سهله به میان آمد، حضرت فرمود: أما إنّه منزل صاحبنا إذا قام بأهله؛ آگاه باشید، آن مکان اقامتگاه صاحب ما است، هنگامی که همراه با خانواده‌اش بیاید (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۴۹۵ و مفید، ۱۴۱۳: ص ۳۴۲).

نیز نقل شده است که آن حضرت خطاب به ابو بصیر فرمود:

... كَأَنِّي أَرَى نَزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ قُلْتُ يَكُونُ مَنْزِلَهُ قَالَ نَعَمْ هُوَ مَنْزِلُ إِدْرِيسَ...؛ گویا فرود آمدن قائم را با اهل و عیالش در مسجد سهله با چشم خود می‌بینم. ابوبصیر می‌گوید: عرض کردم: آیا مسجد سهله منزل ایشان خواهد بود؟ حضرت فرمود: آری؛ این مسجد منزل ادريس علیه السلام است و خداوند پیامبری مبعوث نکرده، مگر آن که در آنجا نماز خوانده است. هر کس در این مسجد بیتوته کند، مانند آن است که در چادر و خیمه پیامبر صلی الله علیه و آله اقامت کرده است (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۱۷).

جایگاه بانوان در عصر ظهور

با توجه به آموزه‌های اسلامی و توجه هم‌زمان به مقتضیات خانواده در ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن، می‌توان به نظام خانواده مطلوب دست یافت که در آن، توجه به حقوق زن و مرد با توجه به احکام و توصیه‌های اسلام در اولویت قرار دارد و مسئله حاکمیت پدر یا مادر یا خانواده هسته‌ای و گسترده مطرح نیست. به همین جهت می‌بینیم که زن به عنوان رکن اصلی خانواده، در مهم‌ترین مسائل فرهنگی و سیاسی در عصر ظهور، حضور دارد و این، با نقش و کارکرد اصلی او در خانواده منافی نیست. بر اساس روایتی عده‌ای از زنان در کنار امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور قرار خواهند داشت؛ چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

و يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثِمِئَةً وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ؛ به خدا سوگند که سیصد و ده و اندی نفر می‌آیند که در میان آن‌ها پنجاه زن هست و در مکه گرد می‌آیند (همان، ص ۲۳).



نیز از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین روایت شده است:

يعوذ عائذ من الحرم فيجتمع الناس إليه كالطير الواردة المتفرقة حتى يجتمع إليه ثلاث مائة و أربعة عشر رجلاً فيه نسوة فيظهر على كل جبار و ابن جبار...؛ در آن هنگام، پناهنده‌ای به حرم امن الاهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند، به سوی او جمع می‌شوند تا این‌که نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد می‌آیند که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر جبار و جبار زاده‌ای پیروز می‌شود (کورانی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۵۰۰).

نکته مهم و قابل توجه این‌که علاوه بر زنانی که یاریگر امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام هستند، زنان مؤمنی در آن زمان یافت می‌شوند که هر چند خود توانایی حضور در قیام امام زمان را ندارند؛ مشوق پدران، برادران، همسران، و فرزندان خویش برای شرکت در قیام خواهند بود و این خود نقشی است بس بزرگ در یاری رساندن به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام و جهادی دیگر برای غلبه حق بر باطل. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در این زمینه می‌فرماید:

هنگامی که جبرئیل به اسم قائم و نام پدرش ندا می‌دهد، زنان محجبه این ندا را در می‌یابند و پدران و برادران خود را برای حضور در قیام تشویق می‌نمایند (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۲۳۱).

عدالت و صلحی فراگیر

یکی دیگر از نکات قابل توجه در مورد خانواده در عصر ظهور، ایجاد محیط امن و پر آرامش برای خانواده‌ها بدون توجه به مسئله پدر سالاری یا زن سالاری است.

در ساز و کار اجرایی (حکومت مهدوی)، به جز عدل و داد حاکم نیست و برنامه‌های فرهنگی‌اش، تربیت قلوب و استغنای روح بشر است؛ همان گمشده انسان که طریق سعادت را برایش پیمودنی می‌سازد. شهروندان این دولت خدا محور و عدل گستر، از هرگونه ظلم و ستمی در امان‌اند، آن چنان که در پرتو این عدالت فراگیر دشمنی‌ها به دوستی، نزاع‌ها به صلح و کینه‌ها به محبت و صفا مبدل می‌گردد و مهر و صفا نه تنها میان بشر، بلکه میان حیوانات نیز شایع می‌گردد و ... در فضای عدالت گستر و استغناپرور مدینه مهدوی، اثری از بی‌عدالتی نخواهد ماند؛ خواه در عرصه‌های اقتصادی یا سیاسی بذل و بخشش‌های بی‌حساب که آفت

عدالت و آفت انصاف است، از میان می‌رود و حق هر صاحب حقی به او عطا می‌گردد، بی‌هیچ کم و کاست یا ضایع شدن (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۲۵۹).

از منظر روایات

خانواده در عصر ظهور نیز مشمول این تحول بزرگ فرهنگی و سیاسی و اجتماعی خواهد شد و در آن دوران، هرگونه نا امنی اجتماعی و محیطی از بین خواهد رفت. روایات مختلفی بیانگر امن بودن عصر پس از ظهور، برای زنان و خانواده‌ها است. در حدیثی آمده است:

تَأْمَنُ السَّبِيلُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَالشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتُهَا، لَا يُهَيِّجُهَا سَعٌ وَلَا تَخَافُهُ؛ راه‌ها امن شود؛ زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد، جواهراتش را بر سرش بگذارد و از درنده‌خویی هراس نداشته باشد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ص ۴۷۴ و مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۱۶).

امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید:

... حَتَّى يَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ؛ پیرزن ناتوانی از مشرق تا مغرب می‌رود و از کسی آسیبی به او نمی‌رسد (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۴۵ و کاظمی، ۱۳۸۹: ص ۲۳۰).

نیز آن حضرت فرمود:

يُطْفِئُ بِهِ الْفِتْنَةَ الصَّمَاءَ، وَتَأْمَنُ الْأَرْضُ، حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَحُجُّ فِي خَمْسِ نِسْوَةٍ مَا مَعَهَا رَجُلٌ، لَا يَتَّقِينَ إِلَّا اللَّهَ!؛ خداوند به وسیله او فتنه‌های جانکاه را آرام و ساکن سازد، زمین امن گردد، یک زن در میان پنج زن، بدون این‌که مردی آن‌ها را همراهی کند، به حج خانه خدا رود و جز خدا از کسی باکی نداشته باشد (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۱۴۵ و کاظمی، ۱۳۸۹: ص ۲۳۰).

۴. ارتباطات در خانواده

خانواده با پیمان ازدواج پایه‌گذاری می‌شود هر قدر روابط میان همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد زندگی شیرین‌تر و باصفا تر می‌گردد و فرزندان بانشاط و موفقیت تربیت می‌شوند. سلامت، استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده، در گرو برخورداری اعضا از



بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی‌های لازم در جهت سازندگی و پیش‌گیری از درگیری‌ها، تضادها و کج روی هاست و جامعه‌ای که در آن نشانه‌ای از خانواده‌های سالم یافت نشود، میزان طلاق روز به روز افزایش می‌یابد. متأسفانه بخشی از زنان و مردان ما فاقد هنر زن بودن و هنر مرد بودن هستند؛ یعنی مهارت ارتباط و اداره خانواده را یاد نگرفته‌اند؛ مثلاً میانگین زمان برقراری ارتباط کلامی همسران با یکدیگر و کودکانشان بسیار ناچیز است و همین امر، سبب سردی فضای خانواده شده است (حسینی، ۱۳۹۰: ص ۱۰). با توجه به انواع نیازمندی‌هایی که افراد به یکدیگر دارند، می‌توان گفت: اصیل‌ترین نیازهای انسان تنها در محیط خانواده تامین می‌شود؛ زیرا در این محیط است که نیاز تکوینی فرزند به پدر و مادر و نیاز مستقیم زن و شوهر به یکدیگر و نیازهای جنسی و عاطفی آن‌ها به وسیله یکدیگر تامین می‌شود. مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌تواند اعضای خانواده را به هم ربط دهد، رابطه دوستانه و عاشقانه و محبت آمیز نسبت به همدیگر است که در عصر ظهور، الفت و دوستی در خانواده‌ها و دل مردم ایجاد شده و بغض و خصومت برطرف خواهد گردید:

يُؤَلَّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُّخْتَلِفَةٍ... بين قلب‌های ستیزه‌جو الفت ایجاد می‌کند (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۶۴۷) و: لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ کینه‌ها از قلب‌های بندگان می‌رود (همان، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۶۲۶). همچنین: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُرَامِلَةُ...؛ «زمانی که قائم قیام می‌کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی اجرا می‌شود (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۸۲ و مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۷۲، ح ۱۶۵).

از منظر روایات

یکی دیگر از مسائل مورد توجه در عصر ظهور، بحث ارتباطات دیداری و شنیداری است؛ به طوری که اعضای خانواده و حتی خویشاوندان، با هم ارتباطات پیوسته‌ای خواهند داشت:

... سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ در زمان دولت قائم، یک فرد با ایمان که در مشرق باشد، برادرش را در مغرب می‌بیند و آن کس که در مغرب است، برادرش را که در مشرق می‌باشد، می‌بیند (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۹۱ و صافی، ۱۴۱۹: ص ۴۸۳).

از نقاط بارز دیگر در عصر ظهور تکیه بر صله رحم و ارتباطات خانوادگی است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

... يُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهْرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَيَّ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَسَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ الْحَرَامَ وَرَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ؛ تمام اموال دنیا از دل زمین، منابع و اموال زیرزمینی و گنج‌ها و روی زمین، نزد امام جمع می‌شود. آن‌گاه حضرت خطاب به مردم می‌فرماید: این‌ها همان چیزهایی هستند که به سبب آن، قطع رحم کردید، خون یکدیگر را به زمین ریختید، محرمات الهی را برای رسیدن به آن، مرتکب شدید. اینک بیایید و از این اموال آنچه می‌خواهید، بردارید. او به قدری به اشخاص عطا می‌کند که احدی پیش از او چنین بخششی انجام نداده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۸ و مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۵۰).

یکی دیگر از مسائل مورد توجه در عصر ظهور، ریشه کنی کینه و خصومت از دل‌هاست.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ حَتَّى تَشِي الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يَهْجُهَا سَيْعٌ وَلَا تَخَافُهُ؛ دشمنی از دل‌ها زدوده می‌شود، درندگان و چهارپایان با یکدیگر سازش می‌کنند، یک زن طبقی بر سر گذاشته از عراق تا شام [= از شرق تا غرب] تنها سفر می‌کند، همه جا قدم بر سرزمین سبز و خرم می‌گذارد و درنده‌ای او را نمی‌آزارد و دچار ترس و وحشت نمی‌شود (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۶۲۶ و مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۱۷).

نیز امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید:

إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَاْمَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ؛ هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، دوران برابری و برادری فرا می‌رسد. در آن زمان، یک مسلمان آنچه نیاز داشته باشد، از جیب برادر مسلمانش برمی‌دارد و او مانع نمی‌شود (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۲، ص ۳۷۲).

سید بن طاووس در کتاب «السعد و السعود» گوید که من در صحف ادریس نبی چنین یافتیم:

... أَلْقَى الرَّافَةَ وَ الرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسُونَ وَ يَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ فَيَسْتَعْنِي الْفَقِيرُ وَ لَا يَغْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَ يَرْحَمُ الْكَبِيرُ الصَّغِيرَ وَ يُوقِّرُ الصَّغِيرُ الْكَبِيرَ وَ يَدِينُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ يَحْكُمُونَ أَوْلِيكَ أَوْ لِيَايَ...؛ ... رافت و ترحم را در دل آن‌ها جای



می‌دهم، به طوری که مواسات و برادری میان آنها برقرار گردد و آنچه دارند، به طور مساوی میان خود قسمت کنند. فقرا بی‌نیاز می‌شوند و کسی بر دیگری برتری ندارد و بزرگ‌تر به کوچک‌تر ترحم و کوچک‌تر بزرگ را احترام می‌کند و همه به دین حق متدین می‌شوند و طبق دستورات آن رفتار می‌کنند و حکم می‌نمایند... (مجلسی، ۱۳۸۶ و ج ۵۲، ص ۳۸۵ و یزدی حائری، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۲۴۶).

نتیجه گیری

خانواده و مسائل مرتبط با آن در منابع دینی ما از چند جنبه مورد توجه جدی و هشدار قرار دارد: تاکید بر ارزش و اهمیت زیاد خانواده و تلاش در جهت حفظ قداست و استحکام آن؛ آینده نگری و پیشگویی وضعیت خانواده در آخرالزمان و ارائه هشدارهای جدی در این زمینه؛ ارائه وضعیت مطلوب و آرمانی خانواده در پرتو جامعه موعود مهدوی و لزوم توجه جامعه به این آرمان والا به عنوان چشم انداز جامعه دینی است. از آنجا که خانواده در روند تحولی جهان، پیوسته تحت تأثیر قرار گرفته، دگرگونی‌های گوناگونی را تجربه می‌کند، لذا مطالعه و بررسی این تحولات و پیش‌بینی وضعیت خانواده در آینده - بخصوص از طریق منابع دینی - ضروری به نظر می‌رسد. تغییرات زیادی در دهه‌های اخیر در خانواده روی داده که هم اصل وجودی خانواده و مسئله تزلزل و فروپاشی آن را شامل می‌شود و هم ابعاد و عناصر مختلف آن (ارزش‌ها، ساختار، کارکردها و ارتباطات) را در بر می‌گیرد. تغییرات خانواده در دوران آخرالزمان، بیش‌تر فروپاشی خانواده‌ها، ارزش زدایی، تضعیف کارکردهای مثبت، قطع ارتباطات سالم و افزایش روابط نامشروع و جابه‌جایی نقش‌های خانوادگی و ... را شامل می‌شود و از گرفتاری عموم خانواده‌ها به این چالش‌ها و آسیب‌ها سخن به میان آمده است. روایات مربوط به عصر ظهور به این نکته ناظر است که ظهور امام زمان در این برهه حساس روی می‌دهد و حضرت مهدی علیه السلام خانواده و اجتماع را در مسیر درست خود قرار می‌دهد.

در این میان آنچه موجب اصلاح مسائل خانواده و رفتارهای شخص و جامعه می‌شود، تقویت اعتقاد به باورهای دینی و اصلاح رفتارها و نیز پرورش «عقلانیت» در جامعه است و این مهم در جامعه مهدوی بروز و ظهور می‌یابد. حضرت مهدی علیه السلام در برنامه اصلاحی خود، چنان به آموزه‌های اسلامی عمل می‌کند که گویا دین تازه‌ای آورده است. سمت و سوی

اقتصاد جهان تغییر می‌یابد و فقر و ناداری از بین می‌رود، خواسته‌های انسان بیش‌تر فرامادی شده و نیازهای او تغییر ماهیت می‌دهد. انسان از ثروت اندوزی و روحیه اشرافی و آز و حرص دل می‌کند، از این رو همه مردم به سطحی از زندگی که معاش خود را تحصیل کنند، خواهند رسید این رویکرد به دلیل تکامل عقل و معرفت انسان در عصر ظهور است. آن حضرت با ارائه یک برنامه اصلاحی و تربیتی و بیدار کردن وجدان و فطرت الاهی انسان‌ها، این مشکلات را رفع خواهد کرد و خانواده‌ها سامان خواهند یافت؛ در حالی که وجود مراکز مختلف قضایی و کیفری و مشاوره‌ای در جهان قبل از ظهور گویای اوضاع نابسامان خانواده‌ها در این عصر است. از شاخصه‌های اصلی عصر ظهور، زدوده شدن دشمنی‌ها و کینه‌ها از دل افراد و گسترش الفت و دوستی و احترام بین اعضای خانواده‌ها است. پس از ظهور، چنان رفاقت و دوستی و صمیمیت در جامعه و خانواده فراگیر می‌شود که آن‌ها در برآوردن نیازهای همدیگر از اموال خود چشم پوشی می‌کنند. درستی و راستگویی و ایجاد اعتماد و اطمینان بین اعضای خانواده، در پیوند و نزدیکی آن‌ها به همدیگر نقش مهمی دارد. وقتی قلب‌ها به هم نزدیک و دل‌ها با هم متحد شد، خانواده آکنده از عشق و شور و ایمان و محبت گردیده و آرامش روانی و آسودگی خاطر، در آن حاکم خواهد گردید.

حضور ولی خدا در جامعه، موجب آرامش دل‌ها و نزدیکی قلوب و سلامت جان و روان افراد است. آنان سنخیت خاصی با امام پیدا می‌کنند و از نور وجودی او بهره مند می‌گردند. آنان با تأسی به امام و رهبر جامعه جهانی با نیازهای پوشالی و کاذب فاصله می‌گیرند و به آنچه نیاز واقعی است می‌رسند. در پرتو وجودی امام زمان، عدالت و امنیت و معنویت در جهان حاکم می‌شود و این بدان معناست که دنیا به ثبات و تعادل می‌رسد و همه در نهایت مهر و احترام در کنار هم زندگی می‌کنند و خانواده مطلوب قرآنی در آن دوران شکل می‌گیرد.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق). *التشريف بالمنن في التعريف بالفتن*، قم، مؤسسه صاحب الأمر.
۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *كشف الغمّه في معرفه الاثمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۳. اصیل، حجت الله (۱۳۸۱). *آرمان شهر در اندیشه ایرانی*، تهران، نشر نی.
۴. بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۷ق). *المحجّة في ما نزل في القائم الحجة*، قم، دار الموده.
۵. بستان (نجفی) حسین (۱۳۹۴). *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. جزایری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۲۷ق). *رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار*، بیروت، موسسه التاريخ العربی.
۷. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۹). *امام مهدی*، موجود موعود، قم، نشر اسراء.
۸. چراغی کوتیانی، اسماعیل (تیر ۱۳۸۸). *رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده*، معرفت شماره ۱۳۹.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. _____ (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، انتشارات آل البيت لإحياء التراث.
۱۱. راوندی، قطب الدین ابی الحسن سعید بن هبه الله (۱۴۰۹ق). *الخرائج والجرائج*، قم: مؤسسه امام مهدی
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات کیهان.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق). *منتخب الاثر*، قم، سیده المعصومه.
۱۴. شیخ صدوق، محمد (۱۳۷۷). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۵. _____ (بی تا). *علل الشرايع*، مکتبه داوری.
۱۶. _____ (۱۳۶۲). *خصال*، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۹). *شیعه در اسلام*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۱۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تهران، علمیه.

۲۱. فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه، تهران، بوعلی.*
۲۲. فیض کاشانی، محسن (۱۳۸۲). *المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء، قم، انتشارات جامعه مدرسین.*
۲۳. قائمی، علی (۱۳۷۳). *نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.*
۲۴. کامل، سلیمان (۱۳۸۶). *یوم الخلاص، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، تهران، آفاق.*
۲۵. کارگر، رحیم (۱۳۸۷). *تعلیم و تربیت در عصر ظهور، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.*
۲۶. _____ (۱۳۸۵). *آینده جهان، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.*
۲۷. کورانی، علی (۱۴۲۸ق). *معجم احادیث الإمام المهدی، قم، مسجد مقدس جمکران.*
۲۸. کاظمی، مصطفی‌بن‌ابراهیم (۱۳۸۹). *بشاره الاسلام فی علامات المهدی علیه السلام، قم، مکتبه الحیدریه.*
۲۹. کشفی، سیدجعفر (۱۳۸۱). *تحفة الملوک، به کوشش عبدالوهاب فراتی، قم، بوستان کتاب.*
۳۰. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.*
۳۱. کوئن، بروس (۱۳۷۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا.*
۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶). *بحار الانوار، تهران، اسلامی.*
۳۳. مرعشی نجفی، شهاب‌الدین (۱۴۱۵ق). *ملحقات الاحقاق، ج ۲۹، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.*
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، صدرا.*
۳۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.*
۳۶. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق.*
۳۷. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (۱۴۰۱ق). *منتخب الانوار المضيئه، قم، خیام.*
۳۸. وثوقی، منصور (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی، نیک خلق، تهران، انتشارات خردمند.*
۳۹. یزدی حائری، علی (۱۴۲۱ق). *الزام الناصب، بیروت، مؤسسة الأعلمی.*

